

مبانی نظری عدالت در اندیشه مقام معظم رهبری

فخرالسادات پورهاشمی*

چکیده

این مقاله در پی یافتن مبانی عدالت در اندیشه مقام معظم رهبری می‌باشد. در بسیاری از جنبش‌ها، انقلاب‌ها و اصلاحات صورت‌گرفته در سطح جهان، عدالت همواره به عنوان یکی از شعارهای اصلی مطرح بوده است، اما اکثر آنها به لحاظ عملی نتوانسته‌اند آن را محقق کنند. برای تحقق عدالت ابتدا باید به دنبال یافتن مبانی عدالت باشیم. با آشکار شدن مبانی، نوع نگرش و زاویه دید ما نسبت به ارزش عدالت مشخص، و حدود و ثغور آن بر اساس اندیشه‌های اسلام معین می‌شود. آنگاه می‌توانیم بر اساس همین مبانی، راه‌کارهای عملی برای پیاده شدن این ارزش اساسی را ارائه دهیم. مشخص کردن مبانی عدالت برای ما، که عدالت محوری از شعارهای اساسی و مهم برنامه‌های ماست، بسیار مهم و اساسی می‌باشد. روش پژوهش حاضر، عمدتاً از طریق جست‌وجو و بررسی سخنان رهبری با استفاده از نرم‌افزارهای موجود و سایت پایگاه مقام معظم رهبری است و به دنبال تبیین مبانی نظری عدالت در اندیشه رهبری است.

کلیدواژه‌ها: عدالت، مبانی هستی‌شناختی، مبانی انسان‌شناختی، مبانی معرفت‌شناختی، مبانی ارزش‌شناختی، مبانی غایت‌شناختی، مبانی جامعه‌شناختی.

مقدمه

در مقاله حاضر بیشتر از نرم‌افزارهایی که مجموعه سخنان رهبری را جمع‌آوری کرده، مثل نرم‌افزار به سوی نور و حدیث ولایت استفاده شده و تلاش شده است که علاوه بر مستند بودن سخنان رهبری و ارجاع دقیق به سخنان ایشان، در کنار هر عنوانی تحلیلی صورت بگیرد تا بتوان به صورت منسجم به مجموعه اندیشه ایشان در رابطه با مبانی عدالت رسید.

سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از: مبانی نظری عدالت در اندیشه مقام معظم رهبری چیست؟ سؤال‌های فرعی پژوهش حاضر عبارتند از: ۱. مبانی هستی‌شناختی عدالت در اندیشه مقام معظم رهبری چیست؟ ۲. مبانی انسان‌شناختی عدالت در اندیشه مقام معظم رهبری چیست؟ ۳. مبانی معرفت‌شناختی عدالت در اندیشه مقام معظم رهبری چیست؟ ۴. مبانی ارزش‌شناختی عدالت در اندیشه مقام معظم رهبری چیست؟ ۵. مبانی غایت‌شناختی عدالت در اندیشه مقام معظم رهبری چیست؟ ۶. مبانی جامعه‌شناختی عدالت در اندیشه مقام معظم رهبری چیست؟

الف. مبانی هستی‌شناختی

نوع نگرش و نگاه به هستی، نگاه به انسان را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. هستی‌شناسی مادی، منجر به شکل‌گیری انسان مادی می‌شود.

فرد مادی هستی و جهان آفرینش را محدود به حسیات و آنچه که قابل دیدن چشم است، می‌کند. از این‌رو، انسان را نیز محدود به همین عالم ماده می‌بیند. نگرش فرد مادی، نگرش محدود است که ورای ماده را نمی‌بیند. اما یک فرد موحد این نگاه محدود را ندارد. نگرش توحیدی و اعتقاد به خدا، انسان را از این

اندیشه‌های هر مکتبی تحت تأثیر نوع نگاه آن مکتب نسبت به جهان و انسان است. نوع نگرش‌های متفاوت به جهان و انسان باعث به وجود آمدن اندیشه‌های مختلف می‌شود. بین اندیشمندی که معتقد به خداوند است و همه عالم را مخلوق و جلوه‌ای از او می‌داند، با اندیشمند ماده‌گرا و ماتریالیست و ملحدی که معتقد به هیچ مبدأ و معادى در ورای این جهان نیست، در تلقی سیاست و اندیشه سیاسی تفاوت اساسی وجود دارد. فردی که تحت تأثیر نگرش‌های مادی، انسان را شرور و گرگ‌صفت می‌بیند، برداشتش از سیاست، قدرت و عدالت متفاوت از کسی است که انسان را نیک‌سرشت می‌پندارد. از این‌رو، اندیشه این دو با هم فرق دارد. پس برداشت‌های فکری انسان، نقش تعیین‌کننده دارد و جهت‌گیری انسان را در زندگی فردی و اجتماعی مشخص می‌کند. این بخش از افکار و ایده‌ها را در اصطلاح، مبانی و زیربنای فکری می‌نامند. این مقاله به بررسی مبانی عدالت در اندیشه مقام معظم رهبری و نیز مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی، غایت‌شناختی و جامعه‌شناختی از دیدگاه ایشان می‌پردازد.

در رابطه با مبانی عدالت در اندیشه مقام معظم رهبری بنابر جست‌وجو‌هایی که انجام شد، با این عنوان کتابی یافت نشد. یکی از کتاب‌هایی که به صورت منسجم و دقیق سخنان رهبری را جمع‌آوری نموده، کتاب **قاموس عدالت**، نوشته مجتبی جاویدی می‌باشد. در این کتاب مجموعه سخنرانی‌های رهبری با موضوع‌بندی‌های مختلف ارائه شده است. کتاب **طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن**، مجموعه فرمایشات رهبری در اوایل انقلاب است که در این زمینه طرح منسجمی از اندیشه اسلامی را ارائه می‌دهد.

همه موجودات در عبودیت او شریک هستند. (۲) بندگان همه چیز خود را از او دارند و او سررشته‌دار پیدایش و ادامه حیات آنهاست. این نگرش، زیربنا و قاعده تمام طرح‌های عملی در اسلام است و شناختی متعهد و بینشی فعال و سازنده است که دارای نقش اساسی در بنای جامعه و اداره آن و ترسیم خط سیر و تعیین هدف آن است. (۳)

این دیدگاه برخلاف دیدگاهی است که در آن، انسان فقط معتقد به این است که خدایی وجود دارد و توحید را منفک و جدا از عرصه سیاسی - اجتماعی درک می‌کند. به نظر مقام معظم رهبری، توحید دارای بُعد سیاسی و اجتماعی است که در سراسر زندگی انسان‌ها حاکم است: اسلام دین توحید است و توحید یعنی رهایی انسان از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هر کس بجز خدا؛ یعنی گسستن بندهای سلطه نظام‌های بشری، یعنی شکستن طلسم ترس از قدرت‌های شیطانی و مادی، یعنی تکیه به اقتدارات بی‌نهایتی که خداوند در نهاد انسان قرار داد. (۴)

به عبارت دیگر، توحید ابعادی دارد. یک بعد آن، اعتقاد به خدا و قدرت غیبی و ایمان به اراده و قدرت و عزت و جلال خداست. بعد دیگر آن، یگانه‌پرستی است در مقابل شرک، و نظام سیاسی ما هم از این بعد ناشی می‌شود؛ یعنی غیر خدا را نباید عبادت کرد. هر جا اطاعت غیر خداست، طاغوت است. پس این نگاه، طاغوت‌شکنی و مبارزه با فردپرستی است. (۵)

این نگرش توحیدی چهار رکن اصلی دارد:

۱. **وابستگی جهان و انسان به قدرت برتر:** آفریدگار مطلق جهان، با قدرت برتر خود، جهان را با قصد و هدفی آفریده است و همه موجودات وابسته به قدرت و اراده او هستند و هیچ‌کس خارج از اراده و قدرت او قادر به انجام فعالیت و عمل نیست. از این رو، انسان‌ها با استفاده از قوه

تنگ‌نظری خارج می‌کند. در جهان‌بینی اسلامی، نظام هستی جلوه‌ای از عدل خداوند است. در این جهان از وضعیت کهکشان‌ها گرفته تا هسته‌های ریز اشیا، همگی بر پایه عدالت است. هر موجودی در جایگاه مناسب و شایسته خود قرار دارد و خداوند، هر موجودی را به اندازه استحقاق و قابلیتش از وجود بهره‌مند ساخته است و هیچ‌گونه امساک فیضی در هیچ نقطه‌ای از زمان و مکان جهان دیده نمی‌شود؛ یعنی در نظام جهان و خلقت آن، عدالت تکوینی رعایت شده است. عدالت تشریحی هم، متأثر از عدالت تکوینی است؛ یعنی اهدافی که خدا هنگام خلقت جهان برای اشیا و انسان‌ها مقرر کرده است، در چارچوب عمل به احکام شرعی و پیروی از دستورات و مقررات الهی محقق می‌شود. این احکام و مقررات عادلانه هستند؛ زیرا وظایف و مقررات برای بندگان متناسب با قدرت و توانایی آنهاست و خدا امری که خارج از توان افراد باشد، دستور نداده است. (۱)

علاوه بر عدالت تکوینی و تشریحی، خداوند در جزا دادن به انسان‌ها نیز، طبق عدالت عمل می‌کند. سنگ ترازوی عدل الهی در آن‌روز، حق است و همه چیز با همین شاخص ارزیابی می‌شود و هر کس به فراخور اعمال خود پاداش می‌بیند. نیز از تبعیض و بی‌عدالتی و تجاوز به حقوق دیگران خبری نیست و پاداش و عقوبت در چارچوب عدالت و مقتضای اعمال انسان‌هاست.

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، نسبت به جهان نگرش توحیدی دارند و همه چیز را در سایه توحید معنا می‌کنند. در این جهان‌بینی، همه پدیده‌های جهان وابسته به یک قدرت هستند و آن، قدرت برتر خداست که از همه خصلت‌های اساسی مثل علم، قدرت، اراده و حیات برخوردار است. از اعماق ذره‌ای ناچیز تا اوج افلاک و کهکشان‌ها، پرداخته و ساخته یک قدرت برتر است و

آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای معتقدند: در زمان سلطه استکبار آنچه باعث قدرت گرفتن زور و فراگیر شدن ظلم و ستم در سراسر کشور شد، غفلت از توحید ناب اسلامی بود. دشمنان، با طرح شعار جدایی دین از سیاست، توانستند دین را از صحنه زندگی کشورهای اسلامی جدا کنند و همین منجر به شکل‌گیری آن وضع اسفناک شد که برای مدت‌های طولانی و جبران‌ناپذیر، سرنوشت سیاسی و اقتصادی کشور به دست غارتگران غربی بیفتد. اما این وضع طولانی و جبران‌ناپذیر زایل شدنی است؛ چون باطل است. اصلاً بنای عالم بر اساس بینش قرآنی بر حق است و باطل اصلی است که زایل شدنی است.^(۷)

امروز حکومت‌های جائرانه و ظالمانه قدیم که سالیان هم حکومت کردند، چیزی جز ویرانه‌های کاخ‌های آنها نمانده است. در مقابل، پیامبران و پیروان توحید که جبهه حق بود، آن زمان ستم‌ها کشیدند، تهدید شدند، اما پیروان همان‌ها امروز دنیا را پر کردند. این همان معنای ماندگاری حق و زایل شدن باطل است.

یک طرف حق است که همه آفرینش بر اساس حق است. خلقت پروردگار بر اساس حق است. خود خداوند متعال حق مبین است. راه خدا، راه حق است. یک راه باطل است، راه جهنم است، راه شیطان است. بین این دو درگیری است. این درگیری در طول تاریخ بشر بوده است.^(۸)

پس انسانی کامیاب و موفق است که خود را با قوانین و سنت‌های الهی که تغییرناپذیرند، تطبیق دهد. لشکر حق بشر را به سمت جهانی پر از عدل و داد می‌برد و تلاش زورگویان و مستکبران عالم نمی‌تواند مانع حرکت عالم به سمت صلاح و کمال شود.^(۹)

در این حرکت انسان به سمت صلاح و سعادت، بشر باید راه خود را بشناسد و رفتاری را انتخاب کند که

عقل و خردی که خدا در اختیارشان قرار داده است، باید راه درست و صحیحی را که اراده خداوند بر آن تعلق گرفته است، بشناسند و در مسیر آن حرکت کنند.

۲. آفریدگار بودن خدا: این رکن منجر به این می‌شود که زمام قانون‌گذاری نیز در اختیار خداوند باشد و همه موجودات ملزم به تبعیت از قانون خدا باشند.

۳. دانش بی‌پایان خدا: بنا بر این رکن، صلاحیت تنظیم مقررات بشری، فقط در انحصار خداوند است.

۴. عبودیت یکسان همه در مقابل خدا: همه بندگان در مقابل او مطیع هستند و هیچ‌کس حق فرمان‌روایی بر دیگری را ندارد. بنابراین، زمامدار فقط کسی است که خداوند او را به حکومت برگزیده باشد؛ مثل امامان معصوم علیهم‌السلام و یا افراد دارای ملاک؛ مثل حاکم اسلامی در زمان غیبت امام معصوم.

تنها کسانی قادر هستند بر انسان‌ها حکومت کنند که از طرف خدا مأذون باشند. این اذن و اجازه را خدا به پیامبران و امامان و در نبودن آنها، به ولی فقیه داده است.

ولی و یا امام، جانشین خدا و مظهر سلطه و قدرت عادلانه الهی در زمین هستند و از همه امکاناتی که برای تکامل و تعالی در وجود انسان قرار داده شده است، به سود انسان بهره‌برداری می‌کنند. عدل و امن را که برای رویش و

بالندگی نهال انسان، مثل زمینی مستعد و آبی گوارا و هوایی مساعد است، در محیط زیست آنان تأمین می‌کنند و ضمن جلوگیری از بروز جلوه‌های گوناگون ظلم

(شرک، تعدی به غیر، تعدی به خود)، همه را به سوی بندگی خدا سوق می‌دهند. خرد و بینش انسانی را به باروری می‌رسانند. آنان را به کار و ابتکار سوق می‌دهند.

یاد خدا و تقسیم عادلانه ثروت و اشاعه نیکی‌ها و ریشه‌کنی بدی‌ها و نابسامانی‌ها را برنامه‌آسای خود قرار می‌دهند و خلاصه، انسان و پدیده انسان را به هدف و

غایت از آفرینش نزدیک و نزدیک‌تر می‌کنند.^(۶)

ب. مبانی انسان شناختی

در بحث هستی‌شناختی، بیان کردیم که نوع نگاه به هستی، انسان‌شناختی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نوع شناخت و بینش نسبت به انسان منجر به شکل‌گیری اندیشه‌های مختلف می‌شود. اگر هستی فقط از نظر مادی نگاه شود و به بعد معنوی توجه نشود، منجر به شکل‌گیری جامعه‌ای می‌شود که در آن، انسان‌ها از هم بیگانه و متمایز هستند و از معنویت و اخلاق فاصله گرفته‌اند. اگر در کنار مادیات به معنویت هم توجه شود، جامعه به گونه‌ای متفاوت از جامعه‌ای می‌شود که مردم در نظام‌های مادی زندگی می‌کنند. در این جامعه، اخلاقیات فاصله ناشی از ایمان به خداست و اعتقاد به خدا و توحید مبنای ساخت اجتماعی جامعه اسلامی می‌شود.

مقام معظم رهبری از تعبیر «جامعه جاهلی» و «جامعه توحیدی» برای بیان این دو جامعه استفاده می‌کنند. به نظر ایشان، جامعه جاهلی، دارای چنین ویژگی‌هایی است:

بر مبنای شرک بنا شده است، طبقات انسان از هم جدا و بیگانه از یکدیگر است. وقتی که در یک جامعه شرک‌آلود، ربط انسان‌ها به مبدأ هستی و نیروهای قاهر و مسلط عالم مطرح می‌شود. به طور طبیعی و قهری در این جامعه انسان‌ها از هم جدا می‌افتند. یکی به یک خدا، دیگر به خدایی دیگر و سومی هم به خدایی دیگر. جامعه‌ای که بر مبنای شرک باشد، میان آحاد و طوایف انسان، یک دیوار غیرقابل نفوذ و یک دره جدایی غیرقابل وصل وجود دارد.^(۱۲)

در این جامعه، انسان‌ها از معنویت و فضیلت فاصله می‌گیرند و شکاف طبقاتی زیاد می‌شود و مناسبات اجتماعی در دست طاغوت قرار می‌گیرد و افراد دچار خود فراموشی می‌شوند و اندیشه انسانی، تعقل و اراده و

متناسب با این حرکت باشد. انسان برای حرکت به سمت هدف‌های ارزنده احتیاج به راهنما دارد. در غیر این صورت، گرفتار ظلم و ستم قدرتمندان می‌شود. راهنمایان این راه، پیامبران هستند. در واقع، بعثت پیامبران در قلمرو زندگی فردی و اجتماعی به دنبال هدفی است. در قلمرو حیات فردی به دنبال شکل‌گیری تحول در زندگی است. این تحول همان تزکیه و آموختن کتاب و حکمت است. انسان باید از آسودگی‌ها و پستی‌ها دور شود تا نجات پیدا کند. در قلمرو اجتماعی، آنچه هدف است، عدالت اجتماعی است.

بعثت پیامبر ﷺ در درجه اول دعوت به توحید است. توحید یک روش زندگی برای بشر است؛ یعنی خدا را در زندگی حاکم کردن و دست قدرت‌های گوناگون را از زندگی بشر کوتاه کردن.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» که پیام اصلی پیغمبر ما و همه

پیغمبران است، به معنای این است که در زندگی و

در مسیر زندگی انسان و در انتخاب روش‌های زندگی، قدرت‌های طاغوتی و شیطانی نباید دخالت کنند و زندگی انسان‌ها را دستخوش هوس‌ها و تمایلات خود قرار دهند.^(۱۰)

بنابراین، مقام معظم رهبری در هستی‌شناختی دارای نگرش توحیدی هستند. ویژگی‌های این نگرش به طور اجمال به قرار ذیل است:

۱. خالق و معبود همه خداست.
۲. همه از اصل واحدی آفریده شده‌اند.
۳. هیچ کس در آفرینش از مزیتی که منشأ برخورداری‌های حقوقی باشد، بهره‌مند نیست.
۴. همه مزیت‌ها در اختیار همگان و وابسته به تلاش آنهاست.
۵. همه جهان‌آزان خداست و همه در مقابل او فقیرند.^(۱۱)

انتخاب از یاد می‌رود.

ایشان عدم اطاعت از خدا را عامل اصلی مشکلات در جامعه می‌دانند و می‌فرمایند:

درد بزرگ بشریت از زمان حضرت آدم و ماجرای پسران آدم تا همیشه دنیا، خودخواهی و خودپرستی و سر تاختن از اطاعت خدا و ظلم و تبعیض و جهل است که بر اثر جهالت و ناآگاهی راه را خطا می‌کند و پیامبران و راه هدایت را نمی‌شناسد. (۱۳)

در نگرش توحیدی، انسان برای رسیدن به کمال خلق شده است. انسان دایم در حال حرکت و تلاش و تکاپو است. این حرکت، حرکتی بی‌نهایت است که قادر است انسان را به کمال برساند. آفرینش انسان برای این است که در عرصه آزمایش‌ها بتواند به کمال برسد. هدف واقعی، خداست.

مقام معظم رهبری معتقدند: هدف انسان، تنها هدف مادی نیست. هدف مادی انسان را به زندگی و حیات حیوانی سوق می‌دهد. در حالی که انسان باید به سمت حیات طیبه و پاکیزه در حرکت باشد. حیات پاکیزه، حیاتی است که در راه خدا و برای رسیدن به هدف‌های عالی باشد. هدف عالی هم، رسیدن به حق و تخلق به اخلاق الهی است. که نتیجه آن، شکل‌گیری عدالت فردی در سه حوزه عقیده، اخلاق و رفتار می‌شود.

عدالت عقیدتی به این معناست که انسان باورهای قلب خود را بر پایه عدل و داد انتخاب کند و عقاید و پندارهای بیهوده را کنار بگذارد؛ زیرا پذیرش آنها، ستم‌کاری بر انسان است. علاوه بر این، گرایش‌های قلبی را به گونه‌ای اصلاح کند که زمینه دوستی و همراهی عاطفی با ستمکاران در عمق وجودش فراهم نشود.

عدالت اخلاقی، اعتدال قوای سه‌گانه، یعنی قوه شهویه بهیمی و غضبیه سبویه و وهمیه شیطنیه، است و عدالت حد وسط بین افراط و تفریط است؛ یعنی تعدیل

قوه عملیه و تهذیب آن. عدالت رفتاری به معنای دوری از گناهان کبیره و اصرار نکردن بر گناهان صغیره است و در نتیجه، به نحوی که اعمال و رفتار انسان عاری از هرگونه ظلم و ستم باشد. (۱۴)

انسان برای رسیدن به قرب الهی، هم به ابزار مادی و هم به ابزار معنوی احتیاج دارد.

پس حیات طیبه معنایش این نیست که کسانی فقط نماز بخوانند، عبادت کنند و اصلاً به فکر زندگی و مادیات نباشند. نه، حیات طیبه، یعنی دنیا و آخرت را با هم داشتن. حیات طیبه، یعنی ماده و معنا را با هم داشتن. حیات طیبه، یعنی آن ملتی که تلاش می‌کند، سازندگی می‌کند، صنعت و بازرگانی و کشاورزی را به اوج می‌رساند... اما در همه این حالات، دل او هم با خداست و روز به روز با خدا آشنا تر می‌شود. (۱۵)

بنابراین، زمانی انسان می‌تواند این حرکت تکاملی را با سرعت طی کند، که با ایمان همراه باشد. ایمان می‌تواند به انسان نگرشی بدهد که رژیم‌های ظالمانه نظام طاغوتی در نظر او کوچک به شمار بیایند و نیروی انسان و غیرقابل زوال به انسان بدهد که بتواند در مقابل همه عظمت‌ها و قدرت‌ها قیام کند.

یکی از نشانه‌های جامعه اسلامی این است که تبعیض و ظلم و نابرابری در آن نباشد و ایمان می‌تواند ما را به این خصوصیت برساند. از دیدگاه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ظلم و فساد موجود در دنیا، ناشی از مدیران و دولت‌های فاسد جامعه و فضای خشونت و ظلم و زورگویی است که همه ناشی از انزوای اخلاق است.

امروز اگر در دنیا ظلم وجود دارد، اگر سلطه وجود دارد، امروز اگر تمدن خشن غربی، دنیا را پر کرده است، از فضای خشونت و ظلم و زورگویی و

است. اما این آرمان‌ها در کمتر برهه‌ای از زمان محقق شده است... البته این آرمان‌ها چون فطری است، از بین رفتنی نیست و تا امروز نرفته و نخواهد رفت، بلکه روز به روز آگاهی و ظرفیت بشر برای پذیرش و عمل به آنها بیشتر شده است.^(۱۸)

به نظر مقام معظم رهبری، ماهیت زندگی اجتماعی تلاش مشترک برای رسیدن به سعادت می‌باشد. مقررات جامعه باید مطابق با طبیعت انسان و فطرت انسان و طبیعت آفرینش باشد؛ در غیر این صورت، نمی‌تواند موجب رشد و تکامل و شکوفایی انسان شود. طبیعت اسلام نور است و به دنبال برطرف کردن موانع است. رسالتی که اسلام برای خود قابل است، ساختن انسان و به وجود آوردن جامعهٔ فاضله و مدینهٔ فاضله است. در این جامعهٔ توحیدی، سلطهٔ جائرانه و ظلم و ستم معنایی ندارد. جامعهٔ اسلامی آن جامعه‌ای است که بر طبق تعالیم و توصیه‌های پیغمبران خدا، مردم دارای اندیشه و فکر شده‌اند و قدرت تصمیم‌گیری پیدا کرده‌اند، خودشان انتخاب می‌کند، خودشان دشمن را می‌شناسند و دشمن را دفع می‌کنند.^(۱۹)

مهم‌ترین مسئله‌ای که در تعالیم اسلامی، به آن پرداخته شده است، معنویت و عدالت است. معنویت و عدالت دو عنصر از عناصر اصلی تعالیم اسلامی است و همه چیز و همهٔ قوانین و مقررات باید حول این دو عنصر بچرخد. به نظر ایشان، جامعهٔ اسلامی، جامعهٔ معنوی است که متکی بر اصول و معارف دینی و اهداف الهی است و از طرف دیگر، به عدالت که نیاز اساسی انسان است، توجه ویژه و اساسی دارد. «در یک جامعه، فردی که از زر و زور دستش تهی است، بتواند حق خود را بدون هیچ‌گونه مشکل از قوی که زر و زور هم دارد، بگیرد. این پیام اسلام است.»^(۲۰) بنابراین، نگرش توحیدی منجر به شکل‌گیری انسانی

ناحق‌گویی، تسلط قدرت‌ها بر ملت‌ها، غارت اموال ملت‌ها به وسیلهٔ مراکز جهانی، اینها به خاطر انزوای اخلاق انسانی است؛ چون معنویت منزوی است؛ چون اخلاق منزوی است.^(۱۶)

ایشان ایمان و معرفت را رکنی می‌دانند که همراه هم و در کنار هم می‌توانند باعث رشد انسان و منجر به شکست‌ناپذیری انسان شود. ایمان و معرفت به تنهایی بی‌اثر هستند. ایمان بدون معرفت، مصداق کسانی مثل خوارج زمان امام علی علیه السلام هستند که ایمان داشتند، اما معرفت و بصیرت نداشتند. معرفت بدون ایمان نیز مثل کسانی است که در صدر اسلام از علی علیه السلام فاصله گرفتند. اینها معرفت داشتند و امام را خوب می‌شناختند، اما ایمان نداشتند. ایمان آنها ضعیف بود.

علاوه بر همراهی ایمان در راه رسیدن به کمال، انسان در محیط عادلانه قادر است به تکامل برسد. وقتی نظام اجتماعی، نظام غلط و ظالمانه‌ای باشد، انسان نمی‌تواند در آن، به کمال برسد. در این محیط، انسان فرصت رسیدن به کمال و پرورش خود را ندارد.

وقتی نظام اجتماعی غلط و ظالمانه است و براساس صحیحی استوار نیست، وقتی انسان‌ها از حکومت سالم، قانون درست و رجال مؤمن و دلسوز برخوردار نباشند، در چنان شرایطی انسان نمی‌تواند به تکامل برسد، اگر این موانع وجود نداشت، چهره عالم و تاریخ به گونه‌ای دیگر بود.^(۱۷)

به نظر ایشان، عدالت‌خواهی انسان‌ها، امری فطری است و چون فطری است، عدالت‌خواهی برای همیشه برای بشر به عنوان یک آرمان مطرح است.

از دیرباز تا امروز بشریت، آرمان عدالت، انصاف و برابری بین انسان‌ها و برچیده شدن بساط زورگویی از سطوح مختلف زندگی مردم را در دل پروراند

می‌شود که تلاش می‌کند به کمال برسد. این کمال و هدف، همان رسیدن به خدا و تخلق به اخلاق الهی است و زمانی انسان می‌تواند این حرکت تکاملی را با سرعت طی کند که همراه با ایمان باشد تا بتواند در مقابل ظلمت‌ها و قدرت‌ها قیام کند.

ج. مبانی معرفت‌شناختی

رویارویی عقل و ایمان و یا استدلال و روح، از مباحثی است که همواره مطرح بوده است. برخی به برتری عقل بر ایمان، قایلند و برخی دیگر، ایمان را بر عقل ترجیح داده‌اند. هر دو گروه به افراط و تفریط، یکی را بر دیگری برتری داده‌اند. اما در تعالیم اسلامی، عقل و وحی باهم مطرح شده‌اند و هر دو مانند دو بال یک پرنده هستند که می‌توانند انسان را در مسیر کمال هدایت کنند. معرفت کامل در سایه عقل و وحی به دست می‌آید. نه عقل و نه دل هیچ‌یک به تنهایی نمی‌توانند معرفت کامل را به انسان بدهند. ایمان و معرفت همراه و مستلزم هم هستند. این دو با هم منجر به شکست‌ناپذیری انسان می‌شوند. هر کدام به تنهایی، بی‌اثر و خنثا هستند. خوارج زمان امام علی علیه السلام را می‌توان جزء کسانی دانست که ایمان داشتند، اما فاقد معرفت و بصیرت بودند، معرفت بدون ایمان، مثل کسانی می‌شود که در صدر اسلام از علی علیه السلام فاصله گرفتند. ایشان کسانی بودند که معرفت داشتند، امام را خوب می‌شناختند، اما ایمانشان ضعیف بود.

استدلال و عقل مانند ستون و دیواری است که انسان می‌تواند به آن تکیه کند و خیالش آسوده است که جای وسوسه و دغدغه نیست؛ یعنی کسی نمی‌تواند در او تردید ایجاد کند و در سایه آن، می‌تواند به حرکت خود ادامه دهد. در واقع، خداوند عقل و خرد را به انسان داده است تا در پرتو آن، به قدرت تشخیص دست یابد و در

نتیجه، عمل بهتری را انجام دهد. اساس جامعه اسلامی این است که به مردم فرصت فکر کردن داده بشود؛ یعنی آنچه گفتنی است به مردم گفته شود تا مردم بتوانند در سایه معرفتی که پیدا می‌کنند، حق را از باطل تشخیص بدهند. از این رو، اساس حکومت‌های ظالمانه در طول تاریخ بشر و همچنین امروز در دنیا بنا بر این بوده که وسیله تشخیص حق و باطل، یعنی فکر کردن و اندیشیدن، را از مردم بگیرند.

به عبارت دیگر، یکی از اصول جامعه اسلامی و نظام اسلامی اصل تعقل و تکامل عقلانی افراد جامعه است. اگر یک ملت می‌خواهد مستقل زندگی کند و کسانی که مصالح او را نمی‌خواهند در کار او دخالت نکنند، باید قدرت اندیشه داشته باشد، باید بیندیشد تا بتواند تصمیم بگیرد. به علاوه، یک انسان و یک جامعه انسانی، چنانچه بخواهد به کمال نایل شود، باید بتواند نیروی اندیشه‌ای را که خدا در نهاد انسان نهاده است، استخراج کند و از آن بهره‌برداری نماید. از این رو، اسلام به اطاعت کورکورانه مردم در ملت و نظام اسلامی قانع نیست؛ از مردم می‌خواهد تا بیندیشند و مطالب و مسائل را خودشان بفهمند و حرکتی آگاهانه داشته باشند.

بسیاری از اختلاف‌های بشر ناشی از نشناختن حقیقت و تشخیص ندادن راه خداوند است که این هم، از درست نیندیشیدن و به کار نینداختن قوه عقل و خرد نشئت می‌گیرد. از این رو، خداوند، انبیا را مبعوث کرد تا مردم نیروی عقل و خرد را در راستای اوامر و نواهی خدا به کار بیندازند. پس هر کسی که بهتر بیندیشد و عقل و خرد را بهتر به کار بگیرد، به عرفان و شناخت بهتری نسبت به پروردگار دست می‌یابد و به مقام بالاتری از دنیا و آخرت می‌رسد.

زمانی جامعه اسلامی می‌تواند به کمال عقلانی برسد

اخلاقی باید کاملاً ساخته شده باشد و پذیرای عدالت باشد تا بتوان عدالت را در آن اجرا کرد. به عبارت دیگر، برای اجرای عدالت احتیاج به جامعه‌ای داریم که تحول اخلاقی عمیق و گسترده‌ای در آن رخ داده باشد؛ زیرا اجرای کامل عدالت، باعث نارضایتی عده‌ای که دنبال سوءاستفاده هستند، می‌شود. از این‌رو، جامعه باید ظرفیت اجرای عدالت را داشته باشد.

جامعه‌ای می‌تواند تصویر آرمانی یک ملت زنده، بیدار و باهوش قرار بگیرد که در آن معنویت، عدالت، عزت، قدرت، ثروت و رفاه باشد. اگر بخواهیم این مجموعه با هم باشد، بدون معنویت و آرمان معنوی و اخلاق و در نظر گرفتن خدا و بدون مجاهدت فی سبیل الله ممکن نیست. (۲۱)

به نظر ایشان، اگر عدالت همراه با معنویت نباشد، عدالت نیست، بلکه دروغ، ریاکاری، انحراف و ظاهرسازی است؛ (۲۲) مثل نظام‌های کمونیستی و سوسیالیستی که عدالت، محور شعارهای آنها بود، اما واقعیت زندگی آنها، نشان‌دهنده عدالت نبود. طبقه اشراف جدیدی در این نظام‌ها به وجود می‌آمد که با معیارهای حزبی و سیاسی خاص خودشان روی کار آمده بودند و از همه امکانات برخوردار بودند و مردم هم در فقر و بدبختی زندگی می‌کردند. بنابراین، عدالت باید با معنویت همراه باشد؛ یعنی باید شما برای خدا و اجر الهی دنبال عدالت باشید. در این صورت، می‌توانید با دشمنان عدالت مواجهه و مقابله کنید. (۲۳)

از سوی دیگر، عدالت در کنار عقلانیت مطرح می‌شود. برای تشخیص مصادیق عدالت، باید عقل و خرد را به کار برد. اگر بدون استفاده از عقل و خرد به سمت عدالت برویم، ممکن است چیزهایی را که عدالت است نبینیم و چیزی که عدالت نیست فکر کنیم، عدالت

که موانع معرفت و فهمیدن و اندیشیدن را در جامعه از بین ببرد. یکی از این موانع، ایجاد اختناق در جامعه است. جامعه باید آزاد باشد تا مردم بتوانند قدرت اندیشیدن را در خود رشد بدهند. در جامعه‌ای که اختناق در آن حاکم است، انسان‌ها نمی‌توانند به معرفت صحیحی دست یابند.

ایمان و محبت هم انسان را وادار به حرکت می‌کند و او را در بحران‌های زندگی کمک می‌کند. گاهی مطالعه یک حدیث تأثیری را در دل می‌گذارد که یک استدلال منطقی و عقلی قادر نیست آن تأثیر را بگذارد. ایمان می‌تواند به انسان قدرت شجاعت و استدلال بدهد، منتها ممکن است در ایمان خدشه و وسوسه رخ دهد که این خدشه با استدلال عقلانی از بین می‌رود.

بنابراین، ایمان و معرفت اسلامی هر دو با هم لازم هستند و هر دو مکمل یکدیگرند. در آموزه‌های اسلامی، معرفت‌آموختگان بی‌ایمان مثل عالمان بی‌عمل هستند. اینها همان دانشمندان دنیای مادی امروز هستند که علم دارند، اما ایمان ندارند و همین هم باعث می‌شود که محصول اندیشه آنان به ضرر انسان‌ها تمام شود؛ مثلاً، فکر کنند و بمب درست کنند. ایمان بدون معرفت و عقل هم همین‌گونه است. مؤمنان بی‌معرفت، همان حمار طاحونه هستند که از صبح تا شب راه می‌روند، اما دور خود می‌چرخند. هر قدر تلاش می‌کنند، از مقصد دورتر می‌شوند.

بنابراین، در وادی توحید از مسلمانان و موحدان خواسته شده است که با تکیه به تفکر و تدبر و تعقل پیش بروند، و در کنار عقل، به نور وحی و نور معرفت و آموزش‌های الهی تجهیز شوند.

از دیدگاه مقام معظم رهبری، در اندیشه اسلامی، عدالت نیز در کنار معنویت و عقل مطرح شده است؛ یعنی عدالت از یک طرف، با عقل و از طرف دیگر، با معنویت مرتبط است و با هم تکمیل می‌شوند. جامعه از لحاظ

می‌توانند رشد کنند، به مقامات عالی برسند و کمال انسانی خودشان را به دست بیاورند. قسط و عدل یک مقدمه واجب برای کمال نهایی انسان است.»^(۲۷)

در جمهوری اسلامی، عدل یک پیام شخصی نیست، بلکه یک نظام اجتماعی است. این‌گونه نیست که هر فردی فقط در محیط خود عادلانه رفتار کند. معنای عدل این است که باید جامعه قائم به قسط باشد. این برای جمهوری اسلامی ارزش محسوب می‌شود.^(۲۸)

پس اولین ارزش در نظام جمهوری اسلامی ایران به لحاظ عملی، تأمین عدالت اجتماعی است که این ارزش باید سرلوحه تمام برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها قرار بگیرد. زندگانی پیامبر نیز که برای ما الگوی کاملی است، حاکی از عدل‌پروری و عدالت‌جویی است.^(۲۹) مقام معظم رهبری معتقدند:

در محیط سیاست داخلی یکی از چیزهایی که لازم است، عدالت اجتماعی است. بدون تأمین عدالت اجتماعی، جامعه ما اسلامی نخواهد بود. اگر کسی تصور کند که ممکن است دین الهی و واقعی - نه فقط دین اسلام - تحقق پیدا کند، ولی در آن، عدل اجتماعی به معنای صحیح و وسیع آن تحقق پیدا نکرده باشد، باید بدانند که اشتباه می‌کنند. هدف پیامبران اقامه قسط است. «لیقوم الناس بالقسط». اصلاً پیامبران آمدند تا اقامه قسط کنند. البته اقامه قسط یک منزل در راه است و هدف غایی نهایی نیست، لیکن آنها که آمدند، کار اولشان این است که اقامه قسط کنند و مردم را از شر ظلم و جور و جور طاغیان و ظالمان نجات دهند. هدف حکومت ولی عصر در آخرالزمان هم، باز همین عدل است.^(۳۰)

ایشان تلاش و همت اصلی دولت را رفع محرومیت به نفع ایجاد عدالت می‌دانند و در این رابطه می‌فرمایند:

است.^(۲۴) این عقلانیت غیر از عقلانیت محافظه‌کاری است. محافظه‌کار طرفدار وضع موجود است و از هر تحولی بیمناک است، اما محاسبه عقلانی، خودش گاهی منشأ تحولات عظیم اخلاقی می‌شود. مثل شکل‌گیری انقلاب ما که ناشی از عقلانیت بود و مردم بی‌حساب و کتاب وارد خیابان‌ها نمی‌شدند. پس عقلانیت با محافظه‌کاری تفاوت دارد.^(۲۵)

بنابراین، اگر بخواهید عدالت را به درستی اجرا کنید، احتیاج دارید به محاسبه عقلانی و به کار گرفتن خرد و علم در بخش‌های مختلف تا بفهمید چه چیزی می‌تواند عدالت را برقرار کند و اعتدالی را که ما بنای زمین و زمان را براساس آن اعتدال خدادادی می‌دانیم و مظهرش در زندگی ما عدالت اجتماعی است، تأمین کند.^(۲۶)

بنابراین، به نظر رهبری، عدالت در کنار معنویت و عقل مطرح می‌شود و با هر دوی آنها تکمیل می‌شود. جامعه باید از لحاظ اخلاقی کاملاً ساخته‌شده و خواهان پذیرای عدالت باشد تا بتوان در آن عدالت را اجرا کرد. از طرف دیگر، برای تشخیص مصادیق عدالت، باید عقل و خرد را به کار برد. اگر بدون استفاده از عقل و خرد به سمت عدالت برویم، در تشخیص مصادیق عدالت به بیراهه می‌رویم و نمی‌توانیم موضع درستی را اتخاذ کنیم.

د. مبانی ارزش‌شناختی

ملاک و معیار برای جامعه اسلامی، حاکمیت ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی است. برخی از این ارزش‌ها، ارزش عدالت، استقلال، آزادی می‌باشند. در انقلاب اسلامی، شاهد تجدیدنظر در مفاهیم سیاسی جامعه، از جمله عدالت بر پایه ارزش‌های اسلامی، بودیم. به نظر مقام معظم رهبری، «در محیط قسط و عدل است که انسان‌ها

ارزش‌های الهی و معنوی، اجرای عدالت در سطوح مختلف جامعه است. پس شکل‌گیری نظام مردم‌سالاری دینی منجر به تحقق ارزش عدالت در جامعه می‌شود. «مردم‌سالاری دینی، یعنی: هدف، تحقق ارزش‌های اسلامی و پیاده شدن و عینی شدن مقررات و احکام اسلامی است. اگر این مقررات پیاده شد، قسط اسلامی و عدالت به معنای حقیقی را در جامعه مستقر خواهد کرد.»^(۳۴)

دشمن هم می‌داند که اگر مردم به کمک مسئولان و مدیران کشور بیایند و جامعه‌ای مرفه و برخوردار از عدالت و سایر ارزش‌های اسلامی بسازند، در آن صورت، انقلاب به خودی خود به همه کشورهای اسلامی صادر خواهد شد و الگوی دیگران قرار خواهد گرفت.^(۳۵) از این رو، آنها دایم با ارزش‌های اسلامی مقابله می‌کنند و خواهان کمتر جلوه دادن و کم‌رنگ کردن آن هستند.

توجه به ارزش‌های اسلامی، از جمله عدالت، همان چیزی است که بشریت به آن نیاز دارد و از نبود آن رنج می‌برد. این همه جنگ‌های نابرابر، ظلم‌ها و استکبارها و غارت ثروت ملت‌ها و فقر حاکم بر دنیا، بر اثر عدم توجه به ارزش‌ها و فقر معنویت است. علی‌رغم وجود ثروت هنگفت و عظیمی که بسیاری از کشورهای پیشرفته دارند، باز بشر احساس خوشبختی و عدالت نمی‌کند؛ زیرا دچار کمبود معنویت و نادیده گرفتن ارزش‌هاست.^(۳۶)

امروز در کشورهای سرمایه‌داری و در میان طبقات گوناگون، آنچه رسمیت و اعتبار دارد، مبارزه و جنگ اشخاص برای حفظ منافع خودشان است. چیزی به نام «عدالت اجتماعی» به عنوان یک وظیفه، به عنوان یک ارزش، به عنوان یک تکلیف بر دوش برنامه‌ریزان کشور وجود ندارد. اسلام که قانون اساسی ما را تشکیل می‌دهد و قوانین ما را هدایت می‌کند، عدالت اجتماعی جزء بزرگ‌ترین

اهتمام اصلی دولت در همه سیاست‌های اجرایی و بخشی، باید رفع محرومیت به نفع ایجاد عدالت باشد. این باید اولین چیزی باشد که مورد نظر قرار می‌گیرد. با این کار، چقدر ما رفع محرومیت می‌کنیم و چقدر کشور را به عدالت نزدیک می‌کنیم. البته اینکه چه چیزهایی در رفع محرومیت بیشتر مؤثرند، شما آنها را خیلی خوب می‌دانید. اشتغال، مسکن، درمان، بیمه و موارد گوناگون دیگر، در کاهش و رفع محرومیت مؤثرند. مثلاً، اگر می‌خواهیم یک پروژه صنعتی یا معدنی یا ارتباطاتی را اجرا کنیم، در درجه اول باید ببینیم تأثیر آن در ایجاد عدالت اجتماعی چقدر است؛ بر این اساس کار کنیم.^(۳۱)

اگر در جامعه‌ای عدالت حاکم باشد، یعنی قانون، قضاوت و اجرا عادلانه باشد و با آحاد ملت، به صورت عادلانه برخورد شود، تلاش اجتماعی و فعالیت اقتصادی هم در آن جامعه بهتر خواهد شد و ثروت هم بیشتر به آن جامعه رو خواهد آورد و همه از امکانات اقتصادی برخوردار می‌شوند. نکته اصلی، عدالت و اجرای آن است. «من این را صریحاً عرض می‌کنم که در جمهوری اسلامی، سیاست‌ها براساس عدالت تنظیم می‌شود. از ابتدای انقلاب همین بوده است و تا همیشه نیز همین خواهد بود. هدف جمهوری اسلامی، تأمین عدالت در جامعه است.»^(۳۲)

به نظر ایشان، الگویی که نظام اسلامی در زمینه مردم‌سالاری دینی ارائه می‌نماید و آن را در سطح جهان مطرح می‌کند، الگوی موفق است. این الگو منجر به شکل‌گیری نظام عادلانه اسلامی می‌شود؛ زیرا در این الگو، رأی و خواست و اراده مردم در آینده‌سازی جامعه نقش و تأثیر بسزایی دارد و علاوه بر آن، چارچوب این الگو ارزش‌های معنوی و الهی است.^(۳۳) یکی از این

انسان کوچکی است. اما انسان کوچکی که می‌تواند به خواسته‌های خود فائق بیاید و راه درست را - که راه کمال انسان و راه خداست - بیپیماید، انسان بزرگی است.^(۳۸)

پس در نگاه اسلامی، هدف و غایت فراتر از اهداف مادی است؛ زیرا ما معتقدیم: زندگی انسان محدود به همین زندگی مادی چند روزه نیست. انسان بعد از مرگ نیز زندگی جاودان دارد که آن را در این دنیا می‌سازد. در این نگاه، غایت کمال انسان، رسیدن به قرب الهی است.

هدف از ارسال انبیا و فرستادن آنها برای مردم و مبارزات فراوان و دو جبهه شدن حق و باطل، این بوده است که انسان به کمال حقیقی و واقعی خود، یعنی قرب و نزدیک شدن به او برسد. پس، غایت اعلای بشر، کسب رضایت اوست.^(۳۹) و این مهم در هدف انبیا نهفته است. پس معنای اینکه غایت و هدف بعثت، نجات انسان است، چیز دیگری است. معنایش این است که آنچه پیامبر و اسلام به مردم دادند، یک نسخه شفابخش برای همه ادوار است، نسخه‌ای است در مقابل همه دردهایی که از آغاز خلقت، بشر از آن دردها نالیده است.^(۴۰)

رسیدن به این هدف و کمال، مستلزم حضور در یک جامعه اسلامی است؛ جامعه‌ای که مبتنی بر قسط و عدل است تا در آن بتوان رشد کرد. هدف برای جامعه اسلامی، تشکیل جامعه عادلانه اسلامی است. رهبر معظم انقلاب در این رابطه می‌فرماید: «در محیط قسط و عدل است که انسان‌ها می‌توانند رشد کنند، به مقامات عالی بشری برسند و کمال انسانی خودشان را به دست بیاورند. قسط و عدل یک مقدمه واجب برای کمال نهایی انسان است.»^(۴۱)

وقتی انسان خود را در مقابل خداوند کوچک و حقیر و محتاج ببیند، با تکیه بر قدرت لایزال او می‌تواند صعود

توصیه‌های آن است. اگر مسئولانی در کشور برای عدالت اجتماعی، برای نفی فقر در جامعه، برای کم کردن شکاف میان طبقات فقیر و غنی کار نکنند، از چشم مردم خواهند افتاد، مردم آنها را به عنوان مسئولانی که مورد علاقه و قبول آنها باشند، طبعاً نمی‌پذیرند.^(۳۷)

بنابراین، به نظر مقام معظم رهبری، رفاه، سعادت، خوشبختی و امنیت در سایه ایمان به خدا و ارزش‌های اسلامی، از جمله عدالت، تأمین می‌شود و تا به این ارزش مهم توجه نشود، افراد جامعه به هر ثروت عظیمی دست یابند، به خوشبختی کامل نمی‌رسند.

و. مبنای غایت‌شناختی

اندیشه اسلامی بر خلاف اندیشه غربی، غایتمدار است. غایت در اندیشه اسلامی، فراتر از اهداف مادی است. در اندیشه غرب، هدف و کمال، رسیدن به رفاه مادی و امکانات مادی است. نگاه بشر غربی، از ماده فراتر نمی‌رود. هر چه دسترسی فرد به مال و امکانات رفاهی بیشتر باشد، گویی به کمال و سعادت بیشتری رسیده است، حتی اگر آن ثروت را از راه‌های نامشروع و با غلبه هواهای نفسانی به دست آورده باشد. مقام معظم رهبری درباره حقیر بودن چنین فردی در اندیشه اسلامی می‌فرماید:

انسان مادی که اسیر شهوت و غضب و هواهای نفسانی و خواسته‌ها و احساسات خود است انسان حقیری است، هرچند هم به ظاهر بزرگ باشد و مقام داشته باشد. رئیس‌جمهور بزرگ‌ترین کشورهای دنیا و دارنده بزرگترین ثروت‌های جهان که نمی‌تواند با خواهش‌های نفسانی خود مقابله و مبارزه کند و اسیر خواهش‌های نفسانی خود است،

پس نباید انتظار منجی داشت و هیچ کاری نکرد، بلکه باید انتظارمان فعال و پویا باشد.

البته وعده الهی حق است و استقرار عدل جهانی فقط در دوران ظهور حضرت بقیه الله انجام خواهد گرفت. اما یک مؤمن و مبارز می‌تواند زمینه را برای تشکیل حکومت فراهم کند، همچنان‌که ملت ایران تاکنون توانسته و بر خیلی از مشکلات فایق آمده است. (۴۵)

آنچه می‌تواند قدرت‌های زور را مهار نماید و با ظلم و فساد مبارزه کند و ریشه آن را متزلزل سازد، قدرت الهی و سیاسی است که در اختیار حکام اسلامی است. امام زمان با اقتدار قدرت و تکیه بر توانایی که ایمان او را مجهز به قدرت کرده است، گریبان ستمگران عالم را می‌گیرد و کاخ‌های ستم را از بین می‌برد. بزرگ‌ترین خصوصیت امام زمان که در دعاها و روایات آمده است، استقرار عدالت در جهان است. در زیارت «آل یاسین» می‌خوانیم: «و انت الذی فیملأ الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً». مشکل دنیا، نبود قسط و عدل است. با ظهور امام زمان (عج)، دنیا پر از قسط و عدل خواهد شد:

همه بشریت متدین منتظر مصلح است و همه مسلمین، منتظر مهدی موعودند و خصوصیت مهدی موعود در نظر مسلمانان این است که «فیملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً». عدل و داد و استقرار عدالت در جامعه، از بین برنده ظلم از سطح زمین، خصوصیت مهدی موعود است. (۴۶)

رسالت انبیا در قرآن این‌گونه بیان شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». (حدید: ۲۵) ارسال کتب الهی و ارسال رسل برای این بود که قسط و عدل در جامعه محقق شود. به

کند و به درجات بالا برسد. پس، صرف حضور در جامعه عادلانه اسلامی، منجر به کمال فرد نمی‌شود، بلکه به عمل، نیاز است.

قدم اول در این راه، شکستن خویشتن و خود را فقیر و تهی دست مطلق دیدن است؛ یعنی انسان در عین قدرت و ثروت و علم و برخورداری از مزایا و محاسن و خصوصیات مثبت و در اوج دارایی و توانایی، واقعاً نه به صورت تعارف، خود را در مقابل خدا نیازمند و تهی دست و محتاج و کوچک و حقیر ببیند. این، آن روحیه کمال انسانی است که البته باید با تمرین به این جاها رسید. (۴۲)

هر انسانی باید ایمان خود را تصحیح کند. در این صورت، عمل و رفتار او تصحیح می‌شود. لازمه این کار نیز توجه به گناه و کناره‌گیری از آن و استغفار است. (۴۳) پس در سایه ذکر و یاد خدا، از گناه و ظلم و تبعیض می‌توانیم دوری کنیم و به اعلی درجه و هدف غایی که همان قرب خداست، برسیم.

ز. مبانی جامعه‌شناختی

جامعه آرمانی مهدوی، تحقق بخشیدن کامل تمدن اسلامی است. در این جامعه است که انسان به غایت کمال خود می‌رسد. محور اصلی این جامعه، عدالت و قسط و اقامه حدود الهی است. این عدالت برای این است که انسان بتواند به سعادت و عبودیت برسد. این دولت مبتنی بر حضور فعال و گسترده مردم در صحنه سیاسی - اجتماعی است. برای رسیدن به این جامعه باید فضیلت و تقوا را رعایت کرد: «اگر بتوانید درون خود جامعه‌تان همان جامعه انقلابی، تقوا و فضیلت و اخلاق و دین‌داری و زهد و نزدیکی معنوی به خدا را در خود و دیگران تأمین کنید، پایه و قاعده ظهور ولی عصر را مستحکم‌تر کرده‌اید.» (۴۴)

از همان وقتی که پیغمبر اکرم دعوت خود را در پاسخ «و انذر عشیرتک الاقربین» در یک سطح گسترش دادند تا زمانی که در سطح عموم مردم آن را منتشر و علنی کردند تا وقتی که در جهت نظام اجتماعی - که همان نظام عدل بود - حرکت کردند و آن را اقامه کردند. (۵۰)

در حکومت امام علی علیه السلام هم، مجموعه دستگاه مدیریت کشور، باید علوی باشد؛ یعنی تمام شاخصه‌های مدیریت در جامعه، باید به طرف صلاح حرکت کند؛ به صورتی که اگر یک قسمت از این مجموعه، ناسالم و ناپاک و غیرمنطبق با معیارها باشد، امام علی علیه السلام برای قطع و قلع و قمع آنها، جنگ چندین ماهه را بر خود هموار می‌کردند. (۵۱)

جهاد امام علی علیه السلام، برای برپا داشتن قسط و عدل بود. از همان ابتدای بعثت در کنار پیامبر بود و تا آخرین ساعات عمر پیامبر، در راه برپا داشتن نظام اسلامی و حفظ آن تلاش کرد.

افراد این جامعه آرمانی در مسیر سعادت و کمال حقیقی خود، قدم می‌زنند و تلاش و کوشش می‌کنند. برای بررسی مبانی جامعه‌شناختی عدالت در چنین جامعه آرمانی، ارتباط انسان را در سه محور خدا، خود و دیگران مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ارتباط با خدا

در بحث هستی‌شناسی ذکر شد که انسان مسلمان دارای نگرش توحیدی است و همین نگرش توحیدی منجر به این میشود که هدف واقعی چنین انسانی، خدا شود. در این جهان‌بینی، همه پدیده‌های جهان وابسته به یک قدرت برتر هستند. بندگان، همه چیز خود را از او دارند و اوست که سررشته‌دار پیدایش و ادامه زندگی انسان است.

عبارت دیگر، هدف ادیان اقامه قسط و عدل و رفع ظلم و ایجاد زندگی صحیح است. پس ما هم باید به سمت حاکمیت اسلام حرکت کنیم. «قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی برای همین بود که مردم از فشار ظلم و تبعیض و تحمیل نجات یافته، در سایه قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه به کمالات انسانی نایل آیند.» (۴۷)

عدل، باعث به وجود آمدن محیط سالم و صحیح برای رشد انسان‌ها و زندگی انسانی می‌شود و یکی از اهداف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم قطعاً به وجود آوردن جامعه‌ای بود که در آن، ظلم و ستم و ناکامی مطلق برای ضعفا و قانون جنگ نباشد. (۴۸) اصلاً حکومت پیامبر، مبتنی بر عدل بود و اساس کار، بر عدالت و قسط و رساندن هر حقی بدون هیچ ملاحظه‌ای به حق‌دار بوده است. پیامبر، توانست جامعه‌ای متذکر و آگاه و برخوردار از حد اعلای عدالت اجتماعی را به وجود بیاورد. البته در این جامعه، احتمال اینکه کسی به کسی ظلم نماید و حق دیگری را ضایع کند، وجود داشت، اما این مسئله، ملاک فقدان عدالت اجتماعی نیست. به نظر آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، «ملاک وجود و عدم عدالت اجتماعی، استقرار حاکمانه عدالت اجتماعی است. در جامعه‌ای که قانون و حکم‌روایی عادلانه است، حکمران عادل است و نیت نیت عادل است؛ حرکت عمومی به سمت عدالت اجتماعی است.» (۴۹)

پیامبر چنین جامعه‌ای را به وجود آورد. جامعه پیامبر، قانونش عادل بود، خود حکمران که شخص پیامبر بود، عادل بود. نیت او عادل بود. از این‌رو، پیامبر نمی‌تواند کمترین بی‌عدالتی را تحمل کند و با هرگونه بی‌عدالتی مبارزه می‌کرد. از همان ابتدای رسالت، حرکت به سمت اقامه قسط و عدل شروع شد.

یک طرف حق است که همه آفرینش بر اساس حق است. خلقت پروردگار بر اساس حق است. خود خداوند متعال حق مبین است. راه خدا، راه حق است. یک راه، باطل است، راه جهنم است، راه شیطان است. بین این دو درگیری است. این درگیری در طول تاریخ بشر بوده است. (۵۵)

پس انسان باید راه رسیدن به سعادت را بشناسد و رفتار متناسب با این راه را انجام دهد. راه حق، جهان را به سمت جهانی پر از عدل و داد می‌برد و تلاش مستکبران عالم نمی‌تواند مانع حرکت فرد به سمت صلاح و کمال شود.

ارتباط با دیگران

در جامعه آرمانی ارتباط هر فرد با سایر افراد بر اساس قسط و عدل است و همین امر منجر به این می‌شود که هر فرد، حقوق و اختیارات و تکالیف خود را به خوبی انجام دهد و رعایت کند. عدالت محوری پیامبر، در نحوه زندگی و رفتار و معاشرت ایشان با مردم تأثیر گذاشت. پیامبر رابطه بی‌تکلف و حسن با مردم داشت. با اینکه ایشان هیبت الهی و طبیعی و ملکوتی داشتند، اما خود را برتر از دیگران نمی‌دیدند و با آنان رفتار ملوکانه و جابرانه نداشتند، بلکه با آنها با ملاحظت و خوش رفتاری برخورد می‌کردند و بین خود آنها بودند و با آنها نشست و برخاست داشتند، به کار آنها اهتمام داشتند و منظم و مرتب بودند. در آن جامعه بدوی، مدیریت و دفتر و حساب و محاسبه و تشویق را در میان مردم باب کرد. (۵۶)

«خود پیامبر جزء فامیل‌های اشراف‌زاده بود، اما رفتار او با مردم خود، رفتار متواضعانه‌ای بود، به آنها احترام می‌کرد، به آنها فخر و تعهد نمی‌فروخت.» (۵۷)

پیامبر هیچ حق اختصاصی برای خود قایل نشدند و وقتی می‌خواستند در مدینه مسجد بسازند، خود پیامبر

او تنها معبودی است که شایستگی اطاعت و عبادت دارد و اطاعت و تسلیم در مقابل هر چیزی شرک و ظلم عظیمی است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: اسلام دین توحید است و توحید، یعنی رهایی انسان از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هر کس بجز خدا؛ یعنی گسستن بندهای سلطه نظام‌های بشری؛ یعنی شکستن طلسم ترس از قدرت‌های شیطانی و مادی؛ یعنی تکیه به اقتدارات بی‌نهایتی که خداوند در نهاد انسان قرار داد. (۵۲)

مهم‌ترین ویژگی جامعه آرمانی، یکتاپرستی و نفی کفر و شرک است و هدف آفرینش انسان هم ارتباط هر چه بیشتر و نزدیک‌تر با خدای متعال است. (۵۳)

در این جامعه آرمانی، کسانی قادرند بر انسان‌های دیگر حکومت کنند که ضمن برخورداری از رابطه عمیق و دقیق با خدا، از طرف او مأذون باشند. این اذن را خدا به پیامبران و امامان و در نبود آنها به ولی فقیه داده است. ولی و امام، جانشین خدا و مظهر قدرت عادلانه خدا در روی زمین هستند و از همه امکاناتی که برای تعالی روح انسان قرار داده شده است، به سود انسان بهره‌برداری می‌کنند و ضمن جلوگیری از بروز ظلم، شرک، و تعدی به غیر و خود، همه را به سوی بندگی خدا سوق می‌دهند. یاد خدا و تقسیم عادلانه ثروت و اشاعه نیکی‌ها و ریشه‌کن کردن بدی‌ها را برنامه اساسی خود قرار می‌دهند و انسان را به هدف و غایت خود نزدیک می‌کنند. (۵۴)

ارتباط با خود

در جامعه آرمانی، هر فرد می‌داند که هرچه از آن او و در اختیار اوست، امانت الهی است و او فقط می‌تواند کارهایی را که خدا مجاز شمرده، انجام دهد و راهی را که نمایان کرده، پیماید.

نکته اذعان دارند و می‌فرمایند: «ما معتقدیم در کشور باید عدالت باشد و ثروت ملی باید میان همه مردم تقسیم شود.» (۶۱)

به نظر ایشان، محرومان کسانی هستند که علی‌رغم حق برابری با دیگر اعضای این خانواده به آنها در طول سالیان سال ظلم شده است. (۶۲)

بنابراین، همه ثروت‌ها برای همه مردم آفریده شده است تا در جهت زندگی همراه با رفاه از آن استفاده کنند و زندگی خود را استوار سازند. پس باید نعمت‌ها به گونه‌ای توزیع شود که همه از مواهب آن بهره‌مند شوند و استفاده کنند. در جامعه آرمانی جای هر فرد در سلسله مراتب مسئولان، به دقت تعیین می‌شود. این مسئولان باید به صورت مناسب و صحیح گزینش شوند. در دستگاه حکومت علی‌الیه، اگر حاکمی ضعیفی دارد و مناسب سمت و مسئولیتی نیست، حضرت او را عزل می‌کند، هرچند مورد علاقه حضرت هم باشد. محمد بن ابی‌بکر، مثل فرزند حضرت است. او شاگرد مخلص علی‌الیه بود. وقتی حضرت او را به مصر فرستادند، بعد از مدتی به او نامه نوشتند که من احساس می‌کنم تو برای مصر کافی نیستی و به جای تو، مالک اشتر را می‌گذارم. با اینکه او هم ناراحت شد، و مقام او نزد علی‌الیه بالاست، اما حضرت به خاطر ورع و تقوایی که دارد، به ناراحتی او توجهی نمی‌کند. مقام معظم رهبری نیز، بر این امر مهم تأکید فراوان دارند و شایسته‌سالاری و همچنین سلامت دینی و اخلاقی مسئولان را، ملاک گزینش آنها می‌دانند و تأکید دارند که پارتی‌بازی و دوستی‌های شخصی، نباید مجوز گزینش مدیران فاقد ملاک باشد: «باید امانت، دیانت، کفایت اشخاص برای انتخاب آنان ملاک باشد. رفاقت‌های شخصی و حزبی و ملاحظات سیاسی نباید مجوز گزینش صحیح مدیران فاقد ملاک اصلی شود.» (۶۳) پس، ملاک گزینش صحیح مسئولان، شایسته‌سالاری و نیز داشتن تقوا، اخلاق، دانش و کارآمدی و کفایت سیاسی است.

جزء اولین کسان یا اولین کسی بود که بیل به دست گرفت و شروع به کندن مسجد کرد و عرق ریخت. (۵۸)

ملاک اجرای عدالت در جامعه آرمانی قانون است. اگر امری طبق قانون محقق شود، عدالت است و اگر بر خلاف قانون انجام شود، ظلم است. (۵۹) در چنین جامعه‌ای، همه افراد در مقابل قانون مساوی هستند. قانون در همه جا و در مورد همه کس اجرا می‌شود. اجرای دقیق قانون در یک جامعه، نشانه قانون‌گرایی در جامعه است. وقتی قانون برای همه یکسان باشد و در اجرای آن، فرقی بین فقیر و غنی و سفید و سیاه نباشد، در اجرای عدالت، می‌توان یک گام به جلو رفت. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

عمل به قانون اساسی، علاج اساسی دردهای کشور است و عمل هم، متوقف بر این است که عناصر عمل‌کننده، چه آنهایی که مجاری اجرای قانون اساسی را معین می‌کنند - مثل دستگاه‌های قانون‌گذاری - چه آن کسانی که آن را اجرا می‌کنند - مثل قوه مجریه - چه آن کسانی که عدالت و تخلف را مورد ملاحظه قرار می‌دهند - مثل قوه قضائیه - و همه دست‌اندرکاران این کشور، در مقابل، عمل، اخلاص و صفا و مسئولیت و انجام وظیفه را ملاک خودشان قرار بدهند. این اساس قضیه است. (۶۰)

رسیدن به تکامل، در جامعه آرمانی، در سایه ایجاد شرایط مناسب و دفع موانع رشد امکان‌پذیر است. برپایی نظام اقتصادی عادلانه در جامعه، از موارد و عنصر مهم و اساسی رسیدن جامعه به تکامل است. فرصت بهره‌مندی از امکانات عمومی باید در اختیار همه افراد قرار بگیرد و همه به طور متعادل و یکسان از امکانات برخوردار شوند و امتیازات به صورت خاصی به عده خاصی داده نشود.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در سخنان‌شان به این

نتیجه‌گیری

در مبانی نظری عدالت در اندیشه رهبری شاخصه‌های مختلف و متعددی مدنظر می‌باشد؛ از جمله: محورهای هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی، غایت‌شناختی و جامعه‌شناختی.

مقام معظم رهبری به حاکمیت الهی، عدم تبعیض و نبود ظلم و نابرابری در جامعه معتقدند. در این اندیشه، اعتقاد به حاکمیت ایمان نقش بسزایی را ایفا می‌کند. اجرای عدالت در جامعه اسلامی، نشئت گرفته از فطرت انسان می‌باشد که به عنوان آرمان بزرگ و مهم و اساسی انسان‌ها در تمامی ادوار زندگی بشر مورد توجه قرار می‌گیرد.

در جامعه عادلانه اسلامی عقل و دل در کنار هم و همراه همدیگر و مکمل هم هستند و شناخت کامل، با همراهی هر دو حاصل می‌شود. در چنین جامعه‌ای، عدالت هم در کنار معنویت و عقل مطرح می‌شود. جامعه اسلامی باید از لحاظ اخلاقی، پذیرای اجرای عدالت باشد و از طرف دیگر، برای تشخیص مصادیق عدالت، باید عقل و خرد را به کار برد.

عدالت در الگوی مردم‌سالاری دینی تحقق می‌یابد و تا به این ارزش مهم، یعنی عدالت، توجه نشود، افراد جامعه هر قدر هم به ثروت عظیمی دست یابند، به خوشبختی کامل نمی‌رسند. در نگاه اسلامی، هدف و غایت فراتر از اهداف مادی است؛ زیرا ما معتقدیم زندگی انسان محدود به همین زندگی مادی چند روزه نیست. انسان بعد از مرگ نیز زندگی جاودان دارد که آن را در این دنیا می‌سازد. در این نگاه، غایت کمال انسان، رسیدن به قرب الهی است. رسیدن به این هدف و کمال، مستلزم حضور در یک جامعه اسلامی است؛ جامعه‌ای که مبتنی بر قسط و عدل است تا در آن بتوان رشد کرد.

مهم‌ترین ویژگی جامعه آرمانی، یکتاپرستی و نفی کفر

و شرک است و هدف آفرینش انسان هم، ارتباط هر چه بیشتر و نزدیک‌تر با خدای متعال است. در جامعه آرمانی ارتباط هر فرد با سایر افراد، بر اساس قسط و عدل است و همین امر منجر به این می‌شود که هر فرد، حقوق و اختیارات و تکالیف خود را به خوبی انجام دهد و رعایت کند. همچنین در جامعه آرمانی جای هر فرد در سلسله مراتب مسئولان، به دقت تعیین می‌شود. این مسئولان به صورت مناسب و صحیح و به دور از رفیق‌بازی‌گزینش می‌شوند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- سیدعلی خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۳۸.
- ۲- نرم‌افزار به سوی نور، مجموعه بیانات امام خمینی و مقام معظم رهبری (۱۳۶۸-۱۳۸۳)، نسخه دوم، ۱۰ خرداد ۱۳۶۹.
- ۳- همان، ۱۲ آذر ۱۳۷۷.
- ۴- سیدعلی خامنه‌ای، همان، ص ۳۸.
- ۵- همان، ص ۱۰۴.
- ۶- همان، ص ۵۰.
- ۷- نرم‌افزار به سوی نور، ۲۱ آبان ۱۳۸۰.
- ۸- همان، ۷ تیر ۱۳۸۰.
- ۹- همان.
- ۱۰- همان.
- ۱۱- همان، ۲۰ مهر ۱۳۸۲.
- ۱۲- سیدعلی خامنه‌ای، همان، ص ۵۰.
- ۱۳- نرم‌افزار به سوی نور، ۲۹ آذر ۱۳۶۸.
- ۱۴- همان، ۲۴ بهمن ۱۳۶۹.
- ۱۵- همان، ۲۹ فروردین ۱۳۷۰.
- ۱۶- همان، ۲۱ آبان ۱۳۸۰.
- ۱۷- همان، ۱۵ بهمن ۱۳۷۱.
- ۱۸- همان، ۳ آذر ۱۳۸۰.
- ۱۹- پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، ۱۴ خرداد ۱۳۸۳، leader.ir
- ۲۰- نرم‌افزار به سوی نور، ۱۸ مهر ۱۳۸۱.
- ۲۱- همان، ۱۷ آبان ۱۳۸۱.
- ۲۲- نرم‌افزار حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸-۱۳۸۳)، نسخه دوم، ۸ شهریور ۱۳۸۴.
- ۲۳- همان.
- ۲۴- همان.
- ۲۵- همان.
- ۲۶- همان.

منابع

- جاویدی، مجتبی، قاموس عدالت، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵.
 - خامنه‌ای، سیدعلی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، چ سیزدهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.
 - مصباح، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
 - نرم‌افزار به سوی نور، مجموعه بیانات امام خمینی و مقام معظم رهبری (از سال ۱۳۶۸-۱۳۸۳)، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
 - نرم‌افزار حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری (۱۳۶۸-۱۳۸۳)، بنیاد قرآن و عترت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
 - پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، www.leader.ir

۲۷- نرم‌افزار به سوی نور، ۲۵ تیر ۱۳۷۶.
 ۲۸- همان، ۱۷ دی ۱۳۷۱.
 ۲۹- نرم‌افزار حدیث ولایت، ۱۰ دی ۱۳۷۳.
 ۳۰- نرم‌افزار به سوی نور، ۹ بهمن ۱۳۶۸.
 ۳۱- نرم‌افزار حدیث ولایت، ۵ شهریور ۱۳۸۰.
 ۳۲- همان، ۱۷ دی ۱۳۷۱.
 ۳۳- نرم‌افزار به سوی نور، ۲۷ خرداد ۱۳۸۳.
 ۳۴- همان، ۲۰ آبان ۱۳۸۱.
 ۳۵- همان، ۱۸ تیر ۱۳۶۸.
 ۳۶- همان، ۲۷ خرداد ۱۳۸۳.
 ۳۷- همان، ۱ اردیبهشت ۱۳۷۹.
 ۳۸- همان، ۲ بهمن ۱۳۷۵.
 ۳۹- همان، ص ۶ شهریور ۱۳۶۹.
 ۴۰- همان، ۱۳ بهمن ۱۳۷۰.
 ۴۱- همان، ۲۵ تیر ۱۳۷۶.
 ۴۲- همان، ۳۰ فروردین ۱۳۶۹.
 ۴۳- همان، ۲۰ شهریور ۱۳۷۳.
 ۴۴- همان، ۳۰ مهر ۱۳۸۱.
 ۴۵- همان، ۸ تیر ۱۳۶۸.
 ۴۶- همان، ۱۰ اسفند ۱۳۶۸.
 ۴۷- نرم‌افزار به سوی نور، ۱۰ خرداد ۱۳۶۹.
 ۴۸- نرم‌افزار حدیث ولایت، ۲۹ آذر ۱۳۷۴.
 ۴۹- همان.
 ۵۰- همان.
 ۵۱- نرم‌افزار به سوی نور، ۲۰ تیر ۱۳۷۹.
 ۵۲- سیدعلی خامنه‌ای، همان، ص ۳۸.
 ۵۳- محمدتقی مصباح، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۴۱۷.
 ۵۴- سیدعلی خامنه‌ای، همان، ص ۵۰.
 ۵۵- نرم‌افزار به سوی نور، ۷ تیر ۱۳۸۰.
 ۵۶- همان، ۵ مهر ۱۳۷۰.
 ۵۷- همان، ۲۶ فروردین ۱۳۷۹.
 ۵۸- همان، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۰.
 ۵۹- مجتبی جاویدی، قاموس عدالت، ص ۴۴۸.
 ۶۰- همان، ص ۲۸۷.
 ۶۱- همان، ص ۳۹۰.
 ۶۲- همان، ص ۲۹۲.
 ۶۳- همان، ص ۲۷۱.